

🗞️ **گزارش**
زهراچپذری



بحران درکمین یک چهارم جمعیت کشور

طرح افزایش سن ازدواج همچنان در کشاکش میان موافقان و مخالفان قسرار دارد و هر کدام از طرفین می‌کوشند تا با ادله‌هایی ترازوی این طرح را به نفع خود سسنگین کنند.
یک فوریت طرح افزایش حداقل سن ازدواج به تصویب رسیده اما این طرح هنوز نتوانسته است نظر برخی اعضای کمیسیون قضایی حقوقی مجلس را با خود همراه کند و سرنوشت خروج آن از مجلس و شورای نگهبان همچنان در هاله‌ای از ابهام است. تلاش برای تصویب افزایش سن ازدواج در حالی باشدت و قوت ادامه دارد که برخی کارشناسان درباره بروز «بحران جنسی» در جامعه هشدار می‌دهند.

■ ■ ■ ■

طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، مبنی بر افزایش حداقل سن ازدواج دختران از ۱۳ به ۱۶ سال مدتی است به موضع اصلی حوزه زنان و خانواده تبدیل شده است. هر چند ابتدا بنا بود این افزایش حداقل سن ازدواج به ۱۸ سالگی باشد اما سرانجام این طرح با قید یک فوریت در مجلس به تصویب رسید و ۱۶ سالگی برای دختران به عنوان حداقل سن ازدواج انتخاب شد. تمام تلاش‌ها برای افزایش حداقل سن ازدواج در حالی است که طبق آمارها حدود ۴۰ هزار دختر پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی به خانه بخت رفته‌اند. عمده این دختران نیز در مناطق مرزی و در شرایط سنتی و قبیله‌ای زندگی می‌کنند. به گونه‌ای

🗞️ **گزارش ۲**
کبری فرشتچی

چالش پیشی گرفتن بلوغ جنسی از بلوغ روانی اجتماعی

بلوغ زودرس در دختران ۱۰ برابر پسران است

باورش هم سخت است کودک هشتت تا ۱۰ساله شما به یکباره دوران کودکی را پشت سر بگذارد و بالغ شود، اما نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد سن بلوغ در کشورمان به طرز چشمگیری کاهش یافته است.از این مهم‌تر شیوع ۱۰برابری بلوغ زودرس در دختران نسبت به پسران است که در برخی موارد سن بلوغ در دختران را تا هشت سالگی کاهش داده است. کاهش سن بلوغ جنسی وقتی بحرانی جلوه می‌کند که شاهد فاصله حداقل ۱۰ساله میان بلوغ جنسی و سن ازدواج در جامعه هستیم و این مسئله می تواند به شکل گیری بحرانی در جامعه منجر شود. ■ ■ ■ ■

رهاشنگی فضای مجازی موجب شده است کودکان با انواع و اقسام اطلاعاتی مواجه شوند که بسیاری از این اطلاعات هیچ گونه تناسبی با سن و شرایط آنها ندارد و دسترسی به این اطلاعات و تصاویر برای کودکان می تواند در کنار عوامل دیگر موجب شود تا با پدیده بلوغ زودرس و عوارض آن مواجه شویم به خصوص اینکه به گفته کارشناسان بلوغ زودرس در دختران ۱۰ برابر پسران است.

■ **کاهش سن بلوغ**

تربای علوی نژاد، روانشناس بالینی کودک و نوجوان از نتایج تحقیقاتی می‌گوید که نشان می‌دهد بالارفتن شناخت و آگاهی فرزندان از مسائل جنسی به خصوص از طریق رسانه‌ها موجب شده است دوران بلوغ در دختران از ۱۲ به ۱۰ و در پسرها از ۱۵ به ۱۲ سالگی کاهش یابد. به گفته وی در دوران بلوغ، دختران و پسران شاهد تغییرات فیزیکی و جسمی در بدن خود هستند به طوری که این تغییرات در

حدود یک چهارمشان. این در حالی است که کشور انگلستان برای جامعه ۹ میلیونی افرادی که تنها زندگی می‌کنند وزارت تنهایی راه انداخته است. در ۱۲ میلیون دختر و پسری است که در حال عبور از سن مناسب ازدواج هستند. این در کنار آمار ۱/۲ میلیونی افرادی که به تجرد قطعی رسیده‌اند و همچنین آمار قابل تأمل افرادی که در سنین جوانی و در سال اول تا پنجم زندگی طلاق گرفته‌اند موجب شده است

آتش زیر پوست شهر به شکلی خزنده پیش برود و بحرانی جدی در کمین جامعه ایران قرار بگیرد به نام «بحران جنسی»

■ **۲۰ میلیون مجرد در جامعه**

از حدود ۱۲ میلیون جوان مجرد ۵/۵ میلیون نفر را پسران ۲۰ تا ۲۵ سال و حدود ۶/۵ میلیون نفر را دختران این رده سنی تشکیل می‌دهند. همچنین ۱/۲ میلیون نفر از جمعیت ایران را مجردان قطعی تشکیل می‌دهند و همچنین ۴ میلیون زن مطلقه و بیوه در کشور وجود دارند. همه اینها را وقتی در کنار یکدیگر قرار دهید به آماری ۲۰ میلیونی از افرادی می‌رسید که مجردند. آمار ۲۰میلیونی مجردها از یکسو به معنای خروج ۲۰ میلیون ایرانی از چرخه فرزندآوری است و بحران جمعیت را جدی‌تر می‌کند. روی دیگر این ماجرا اما بحران‌هایی است که می‌تواند این جمعیت ۲۰ میلیون نفری را با خود درگیر کند به بیان دیگر از جمعیت ۸۰میلیون نفری ایران هم اکنون چیزی

از غرب تأمین می‌شود هر گرایشی در غرب اتفاق بیفتد در جامعه ما بروز و ظهور خواهد داشت. رئیس مؤسسه تحقیقاتی زن و خانواده خاطر نشان می‌کند: اگر در کنار بررسی لایه‌های اجتماعی موضوع بحران جنسی به لایه‌های عمیق‌تر همچون لایه گفتمانی و اسطوره توجه نکنیم از میدان عقب می‌مانیم.

وی با اشاره به تعارضات پیش آمده در خصوص تربیت جنسی فرزندان، اختلاف در تربیت و آموزش جنسی را انحراف و خلط میحث عنوان می‌کند و می‌افزاید: جنسی فرزندان، اختلاف در تربیت و آموزش جنسی نیست در صورتی‌که بر مبنای تعالیم اسلامی از ابتدای تولد و هنگام مرگ، انسان نیاز به تربیت جنسی دارد. بنا به تأکید زیبایی‌نژاد منازعه ما با غرب در این زمینه در خصوص اهداف، ادبیات و ضرورت‌هاست. وی معتقد است هر چند نیاز به تربیت جنسی افراد داریم اما باید بدانیم زمین بازی را چه کسانی فراهم می‌کنند.

بحران جنسی در جامعه موضوعی است که در میان بانمایی رسانه‌ای و برجسته‌سازی موضوعاتی همچون ازدواج کودکان نادیده گرفته شده است. این ماجرا تا جایی پیش رفته است که برای بحرانی‌تر نشان دادن ماجرای ازدواج در سنین پایین صاحبزنان حوزه زن و خانواده به بازی با آمار روی آورده‌اند.

■ **نمای نزدیک**

«میزان #طلاق نشان می‌دهد می‌توان با آمار بازی و به دو سر شماری قیل، در همه گروه‌های سنی افزایش



از حدود ۱۲ میلیون جوان مجرد ۵/۵ میلیون نفر را پسران ۲۰ تا ۲۵ سال و حدود ۶/۵ میلیون نفر را دختران این رده سنی تشکیل می‌دهند. همچنین ۱/۲ میلیون نفر از جمعیت ایران را مجردان قطعی تشکیل می‌دهند و همچنین ۴ میلیون زن مطلقه و بیوه در کشور وجود دارند. همه اینها را وقتی در کنار یکدیگر قرار دهید به آماری ۲۰ میلیونی از افرادی می‌رسید که مجردند

از حدود ۱۲ میلیون جوان مجرد ۵/۵ میلیون نفر را پسران ۲۰ تا ۲۵ سال و حدود ۶/۵ میلیون نفر را دختران این رده سنی تشکیل می‌دهند و همچنین ۱/۲ میلیون نفر از جمعیت ایران را مجردان قطعی تشکیل می‌دهند و همچنین ۴ میلیون زن مطلقه و بیوه در کشور وجود دارند. همه اینها را وقتی در کنار یکدیگر قرار دهید به آماری ۲۰ میلیونی از افرادی می‌رسید که مجردند

داشته و به ویژه این افزایش در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۱۵ تا ۱۹ ساله بیشتر است... این فقط یکی از مخاطرات #ازدواج – کودکان است.» این توثیت اگر در کنار بررسی لایه‌های اجتماعی موضوع بحران جنسی به لایه‌های عمیق‌تر همچون لایه گفتمانی و اسطوره توجه نکنیم از میدان عقب می‌مانیم.

وی با اشاره به تعارضات پیش آمده در خصوص تربیت جنسی فرزندان، اختلاف در تربیت و آموزش جنسی را انحراف و خلط میحث عنوان می‌کند و می‌افزاید: جنسی فرزندان، اختلاف در تربیت و آموزش جنسی نیست در صورتی‌که بر مبنای تعالیم اسلامی از ابتدای تولد و هنگام مرگ، انسان نیاز به تربیت جنسی دارد. بنا به تأکید زیبایی‌نژاد منازعه ما با غرب در این زمینه در خصوص اهداف، ادبیات و ضرورت‌هاست. وی معتقد است هر چند نیاز به تربیت جنسی افراد داریم اما باید بدانیم زمین بازی را چه کسانی فراهم می‌کنند.

بحران جنسی در جامعه موضوعی است که در میان بانمایی رسانه‌ای و برجسته‌سازی موضوعاتی همچون ازدواج کودکان نادیده گرفته شده است. این ماجرا تا جایی پیش رفته است که برای بحرانی‌تر نشان دادن ماجرای ازدواج در سنین پایین صاحبزنان حوزه زن و خانواده به بازی با آمار روی آورده‌اند.

طبق گزارش سال ۱۳۹۶ دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور، بیش از ۳۳ درصد ازدواج‌های کشور در سنین زیر ۲۰ سال رخ می‌دهد. در مقابل ۵۰درصد طلاق‌ها مربوط به زنانی است که در سنین بالای ۳۰سالگی ازدواج کرده‌اند.

بررسی گزارش فوق نشان می‌دهد نسبت طلاق به ازدواج در زنان بالای ۳۰ سال ۹ برابر زنان زیر ۲۰سال است. این مسئله نشان می‌دهد می‌توان با آمار بازی و مسئله را به گونه‌ای دیگر بازنامی کرد.



عربستان سعودی عضو کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان!

گزارشگران ویژه حقوق بشر درباره ایران تنها نامشان است که تغییر می‌کند اما از ۴۰ سال پیش تا به امروز گزارش‌هایشان حول یک محور می‌چرخد؛ نقض حقوق بشر در ایران که باحقوق زنان و اقلیت‌ها و امری همچون آزادی همجنس بازان و سقط جنین گره خورده است. نکته قابل تأمل در این میان روش شناسی این گزارش‌هاست. اینکه بر چه مبنایی ایران به نقض حقوق زنان متهم می‌شود؟ وقتی کمی موشکافانه‌تر به ماجرا نگاه کنیم در می‌یابیم معیار این گزارش‌ها علیه کشورمان نگاه اپوزیسیون به مسائل حقوقی در جامعه ایرانی است. این بار هم جاوید رحمان گزارشگر جدید ایران است که طبق روال معمول گزارشش را علیه ایران در اواسط مهرماه ارائه داد. در گزارش «جاوید رحمان» گزارشگر ایران به سازمان ملل، دبیر کل این سازمان موظف شده است یک گزارش علیه ایران در زمینه نقض حقوق بشر و زنان به مجمع عمومی ارائه دهد که این مسئله با عنایت به سوابق این گزارش‌ها موضوعی دور از انتظار نیست.

اگر سیر تاریخی تحول حضور زنان در جامعه و تصویب معاهدات بین‌المللی حقوقی و مدنی را مورد بررسی قرار دهیم سرنخ این ماجرا را در انقلاب صنعتی پیدا خواهیم کرد. تحول شگرف در صنعت در دنیای غرب دو الزام را ایجاد کرد:نخست نیروی کار از آن قیمت‌برای چرخاندن چرخ‌های صنعت و دوم مصرف‌کنندگان که تعادل را در بازار مصرف و تولید برقرار کنند و این سراسازی بود برای اینکه «زن مدرن» با تعریفی جدید از وظایف و مسئولیت‌ها شکل بگیرد. تا پیش از این زنان چه سیاهیوست و چه سفیدپوست به عنوان برده خرید و فروش می‌شدند اما با امضای کنوانسیون منع خرید برده‌های سفیدپوست و سرانجام تصویب معاهده القای خرید و فروش زنان و کودکان در سال ۱۹۲۱ این ماجرا به شکل سنتی‌اش حل و فصل شد. معاهد منع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۸۱ تصویب شد.موضوعی که در جهان بینی اسلامی نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد و تاکنون صاحبزنان بی‌شماری درباره تفاوت‌های انکارنشدنی زن و مرد دست به قلم شده‌اند و این مسئله موضوع مجوری مناظره‌های بسیاری بوده است. بر این اساس اشکال عمده‌ای که به این کنوانسیون گرفته و رویکردی که در باب برابری زن و مرد گرفته می‌شود آن است که بدون توجه به تفاوت‌های اساسی و بنیادی با رویکردی سطحی انگازا این برابری را عنوان کرده‌است. این کنوانسیون تفاوت‌هایی از جمله نقش زن در خانواده را مورد توجه قرار داده اما این توجه به شکل استثنائها محدود و موقت است و در مجموع تفاسوت مبنایی زن و مرد در نگاه ندوبین‌کنندگان این سند وجود نداشته است. هج کدام از اینها اما موضوع تازه‌ای نیست همچنان که بهره‌گیری سیاسی از چنین معاهداتی حلال دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست. اغلب کنوانسیون‌های بین‌المللی با اهداف و اغراض سیاسی تدوین شده‌اند تا دست‌پوزی برای ایجاد محدودیت و محکومیت‌های حقوق بشری بر ضد کشورهایی شوند که هم‌زمنی غالب غرب را نمی‌پذیرند. کشورمان با عنایت به ساختارهای ارزشی جامعه ایرانی- اسلامی زیر بار برخی از این معاهدات و کنوانسیون‌ها نرفته و برخی دیگر را با شروط پذیرفته است، اما تجربه نشان می‌دهد پذیرفتن یا نپذیرفتن این معاهدات مسئله اصلی دنیای غرب درباره ایران نیست. با نگاهی به فهرست کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته و آنهاایی که نپیوسته‌اند می‌توان این ادعا را اثبات کرد. از بین اعضای سازمان ملل تاکنون تنها چهار کشور ایران، سومالی، سودان و تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند. دو کشور ایالات متحده آمریکا و پالاتو هم کنوانسیون را امضا کرده ولی هنوز به آن نپیوسته‌اند. عربستان سعودی اما عضو کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان است!



جاگگاه اشتغال زن در عرصه بین الملل

یکی از موضوعاتی که در حوزه حقوق زنان مطرح است، اشتغال زنان است. اشتغال زنان از دیدزای مرد توجه جوامع بشری بوده و از منظر اسناد حقوق بشر و اسناد حقوق بین‌الملل به ویژه اسناد بین‌الملل حقوق کار قابل بررسی است. واقعیت این است که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. نظام حقوق بشر، حمایت از زنان را به عنوان یکی از اهداف خود، مدنظر قرار داده و سازمان ملل متحد از طرق مختلف از اشتغال زنان حمایت کرده است. اشتغال زنان از جمله مباحثی است که مورد توجه متخصصان امر قرار گرفته است. زیرا در دستبای یک جامعه به اهداف توسعه، استفاده از نیروی کار نیمی از افراد آن جامعه حائز اهمیت فراوان است. حقوق شغلی مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله حقوقی است که زنان در بیشتر جوامع در مضیفه آن به سر می‌برند، با این وجود می‌توان آنان را بهترین و بالاترین معیار به منظور نقد و بررسی وضعیت اشتغال زنان محسوب کرد.

امروزه حمایت از اشتغال زنان، به طور عمده توسط «سازمان بین‌المللی کار» صورت می‌گیرد؛ چون پس از انقلاب صنعتی و کشفانده شدن زنان به کار در صنایع، ضرورت حمایت از ایشان در برابر برخی خطرها و تنظیم مقررات ویژه در مورد شرایط کار آنان حس می‌شود. ممانعت از اشتغال زنان در بعضی از مشاغل، امتیاز دادن به مردان در زمینه ارتقای شغلی، عدم پرداخت مزد مساوی برای کار با ارزش مساوی و مزاحمت‌های جنسی، همه انواعی از تبعیض شغلی است که در بیشتر کشورها به شدت ریشه دوانیده و از بین بردن آنها کار دشوار و سختی است.

کتاب جایگاه اشتغال زن در عرصه بین‌الملل نوشته‌فاطمه عبیدی، به بررسی و پژوهش در باره حقوق کارگران و زنان در حوزه کار و اشتغال می‌پردازد. در بخشی از کتاب جایگاه اشتغال زن در عرصه بین‌الملل درباره خدمات و تسهیلات مراقبت از کودکان می‌خوانیم: «با این حال به دلیل وجود رابطه خاص مادر و فرزند، غیبت مادر از خانه و خلأناشنسی از آن برای فرزندان نمی‌تواند دور از نظر جامعه بماند و همین امر موجب پیدایش سازمان‌های مکمل از جانب دولت و حتی بخش خصوصی گردیده است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این سازمان‌ها می‌توانند جانشین مادر شوند؟ در پاسخ برخی محققان ابراز عقیده نموده‌اند که برای نگهداری و مواظبت از کودکان هنگامی که والدین در خارج از خانه به سر می‌برند، اقدامات فراوانی به عمل آمده است. در بسیاری موارد از وجود مادر بزرگ یا یکی از خویشاوندان استفاده می‌شود ولی این کار برای اغلب خانواده‌ها میسر نیست؛ زیرا غالباً مادر بزرگ یا خویشان دیگر در دسترس نیستند و در نقاط دور دست زندگی می‌کنند. پراکندهگی اقوام خویشاوند از جمله نتایج است که تمدن صنعتی برای ما به بار آورده است. برخی خانواده‌ها کودکان خود را در زمان غیبت مادر از خانه و در قبال پرداخت مزد به اشخاص دیگر می‌سپارند. بعضی آنها را در پرورشگاه‌ها و مهد کودک‌ها جای می‌دهند و برخی هم در خانه می‌گذارند. در حالی که با خطرات خاصی ممکن است مواجه شوند. ضمن آنکه از دیدگاه برخی پژوهشگران سپردن کودکان به سازمان‌های خاص (مهد کودک و...) آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، موجب‌تربوز ناسالمی‌های روانی خاصی را در بزرگسالی فراهم می‌ورد. لیکن این نگرانی از جهت دیگر- کاهش می‌یابد، آنجا که موضوع آمادگی ذهنی و میزان آن مطرح است.»